

Analysis of the Quranic Approach and Documents of International Organizations in Ensuring Women's Sexual and Gender Security

MohammadTaqi Ahmadi Parto^{ORCID}

Researcher, Tamhid Institute; PhD., al-Mustafa International University, Qom, Iran.
partoahmadi@mailfa.com

Abstract

In the contemporary global landscape, women's security has emerged as a pivotal challenge for human societies, attracting significant attention from policymakers, legal institutions, and academics. The paramount importance of this issue is highlighted by the fact that governmental policies concerning women can directly influence the legitimacy and public acceptance of states. This study aims to conduct a rigorous comparative analysis of two distinct paradigms addressing women's security: the framework derived from the Holy Quran and the model promoted by post-1945 international documents. This research employs a descriptive-analytical methodology. This involves a systematic examination and critical comparison of the underlying principles, foundational assumptions, and proposed mechanisms for ensuring women's security within the Qur'anic text and the body of relevant international instruments and declarations. The investigation reveals several key findings. First, the Holy Quran presents a coherent framework that situates women's security within the sanctity of the family institution, firmly upholding their inherent dignity. This paradigm is supported by three core mechanisms: (1) sanctifying the family as the foundation of a healthy society; (2) defining complementary gender roles aligned with the inherent disposition (*fitrah*) and distinct nature of men and women; and (3) establishing explicit ethical codes and legal boundaries (*hudud*) to protect human sanctity. In contrast, international documents, which prioritize the concepts of absolute gender equality and non-discrimination, have inclined towards a model of permissiveness and the erasure of distinctions between male and female roles. The comparative analysis reveals that the international approach, by separating sex from gender and marginalizing biological realities, has effectively promoted the assimilation of women to a male-standardized norm. This paradigm implicitly grants masculinity a position of normative primacy. Conversely, the Qur'anic framework unequivocally affirms the equal spiritual worth and intrinsic value of both men and women, while consciously recognizing and integrating their natural differences into a complementary social structure. Furthermore, the international model's promotion of absolute equality and sexual liberalism has been found to contribute to gender insecurity by legitimizing non-normative sexual behaviors and creating role confusion, potentially undermining women's inherent

Cite this article: Ahmadi Parto, M.T. (2025). Analysis of the Quranic Approach and Documents of International Organizations in Ensuring Women's Sexual and Gender Security. *Social-Cultural Studies of Hawzah*. 9(2), p. 135-156.
<https://doi.org/10.22034/scs.2025.71796.1413>

Received: 2025-05-22 ; **Revised:** 2025-07-07 ; **Accepted:** 2025-08-19 ; **Published online:** 2025-10-02

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



<https://gnoe.bou.ac.ir/>



dignity. The study concludes that the Qur'anic paradigm, with its emphasis on ethical boundaries, familial structures, and respect for inherent differences, provides a more holistic and sustainable framework for ensuring comprehensive security for women. In contrast, the prevailing international approach, despite its stated objectives, exhibits significant contradictions and unintended consequences that may exacerbate insecurity. This research strongly emphasizes the urgent need to fundamentally reevaluate dominant global paradigms and advocates for serious consideration of the comprehensive, dignity-centered Qur'anic model as a viable alternative for formulating effective policies to achieve lasting security for women.

Keywords: Gender security, Women's rights, The Holy Quran, International documents, Gender equality.

تحلیل رویکرد قرآن و اسناد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان

محمدتقی احمدی پرتو 

پژوهشگر موسسه تمهید؛ دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. partoahmadi@mailfa.com

چکیده

در جهان معاصر، مسئله امنیت زنان به یکی از چالش‌های اساسی جوامع انسانی تبدیل شده و توجه سیاست‌گذاران، نهادهای حقوقی و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. اهمیت این موضوع تا بدانجا است که جهت‌گیری دولت‌ها در قبال زنان می‌تواند بر مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها تأثیر مستقیم داشته باشد. این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، به مقایسه دو رویکرد قرآنی و اسناد بین‌المللی در زمینه تأمین امنیت زنان پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم با ارائه نظامی منسجم و جامع، امنیت زنان را در چارچوب نهاد خانواده و با حفظ کرامت ذاتی آنان دنبال کرده است. این الگو بر سه مکانیزم اصلی استوار است: نخست، تقدس‌بخشی به نهاد خانواده به عنوان اساس جامعه سالم؛ دوم، تعریف نقش‌های جنسیتی متناسب با فطرت و طبیعت زن و مرد؛ و سوم، وضع قوانین اخلاقی و حدود شرعی برای حفظ حریم‌های انسانی. در مقابل، اسناد بین‌المللی پس از سال ۱۹۴۵ میلادی با محوریت مفاهیمی چون برابری جنسیتی مطلق و عدم تبعیض، به سمت اباحه‌گری و تشابه کامل نقش‌های زن و مرد گرایش یافته‌اند. بررسی تطبیقی این دو رویکرد نشان می‌دهد که اسناد بین‌المللی با تفکیک جنس از جنسیت و حذف ویژگی‌های زیستی، در عمل به شبیه‌سازی زنان به مردان منجر شده‌اند. این در حالی است که قرآن کریم با به رسمیت شناختن تفاوت‌های فطری و طبیعی، به تأمین امنیت پایدار برای زنان توجه داشته است. مطالعه حاضر همچنین نشان می‌دهد که اسناد بین‌المللی با ترویج برابری مطلق و اباحه‌گری جنسی، به ناامنی جنسیتی زنان دامن زده‌اند. این پارادایم با مشروعیت‌بخشی به رفتارهای جنسی نامتعارف، کرامت ذاتی زنان را مخدوش ساخته است. در مقایسه، الگوی قرآنی با حفظ حریم‌های اخلاقی و توجه به تفاوت‌های فطری، راهکارهای عملی برای تأمین امنیت همه‌جانبه

استناد به این مقاله: احمدی پرتو، محمدتقی (۱۴۰۴). تحلیل رویکرد قرآن و اسناد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان.

مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۹(۲)، ص ۱۳۵-۱۵۶. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.71796.1413>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده‌ان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



<https://gnoe.bou.ac.ir/>



زنان ارائه می‌دهد. این پژوهش بر ضرورت بازنگری در پارادایم‌های رایج و توجه به الگوی جامع قرآنی برای تأمین امنیت پایدار زنان تأکید می‌ورزد.

واژه‌های کلیدی: امنیت جنسیتی، حقوق زنان، قرآن کریم، اسناد بین‌المللی، برابری جنسیتی، تبعیض جنسی.



۱. مقدمه

موضوع امنیت از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین موضوعات مربوط به زنان است. امنیت زنان، چنان دامنه گسترده‌ای از باورها و رفتارهای متفاوت را ایجاد می‌کند که اندیشمندان سیاست، حقوق، بهداشت و درمان، فرهنگ و هنر، دین و اقتصاد را بر سر دوراهی‌های انتخاب به تفکر واداشته و بیش از يك سده موضوع بحث‌های فراوان قرار گرفته است (نجانرهنودی و آهنگر سلابتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). از دیگر سو، نیازهای روان‌شناختی بیشترین توجه روانشناسان را به خود جلب نموده و در قرآن نیز عنایت خاصی به آنها شده است که از جمله این نیازها، نیازهای ایمنی و امنیت و آرامش جسمی و روانی در زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد (کاویانی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۹). از دیرباز مسئله امنیت و احساس امنیت از مهم‌ترین و چالشی‌ترین مسائل مربوط به حوزه زنان در سطح جهان بوده است. امنیت از حقوق اولیه هر انسانی و از جمله زنان بوده و زنان بدلیل شرایط خاص جسمانی که دارند، دغدغه مهم‌تری نسبت به این موضوع دارند. دغدغه از بین رفتن امنیت و احساس ناخوشایند ناامنی، آسیب زیادی به روح و روان آنان وارد می‌نماید. جنس و جنسیت یکی از مسائل مهمی است که عمدتاً فمینیست‌ها به آن می‌پردازند. برخی از فمینیست‌ها زنانگی و مردانگی را ویژگی ذاتی، مطلق انسان ندانسته و آنها را تابعی از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع دانسته‌اند. یکسان‌سازی حقوق در جنبه‌های مختلف بیانگر پیگیری برابری دو جنس بوده است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۷۹-۷۸). از سوی دیگر، در دیدگاه قرآن، اساس عالم بر خلقت بر زوجیت و دو جنس متفاوت است (ذاریات، ۴۹) و تفاوت‌ها در حیطه جسم، منجر به تفاوت‌ها در مسئولیت‌ها و حقوق و تکالیف و... می‌شود. نگرش دینی، از یک‌سو بر اصالت روح در انسان تأکید می‌ورزد و از طریق خارج نمودن عنصر جنسیت از ذات انسان، اصالت تفاوت‌های جنسی را انکار می‌کند و از سوی دیگر، جنسیت را ویژگی بدن معرفی کرده و از طریق تبیین ارتباط بدن با روح، تأثیر نسبی تفاوت‌های جنسیتی را در حیات انسانی توجیه می‌نماید. تحول و دگرگونی در هویت جنسی پس از دهه ۶۰ میلادی، گفتمان رایج تفکیک نقش‌ها و کارآمدی آن را به چالش کشید و تشابه نقش‌ها را به عنوان يك «ارزش» و «مطالبه» فمینیستی مطرح کرد. دیدگاهی که ادبیات مسلط در دوره مدرن را رقم زد و در تضاد با نگاه‌های سنتی قرار گرفت. تفکیک بین «جنس» و «جنسیت» به عنوان مهم‌ترین سازه فمینیستی، ابزار اصلی تئوریزه کردن گفتمان تشابه در نقش‌ها، حقوق و مسئولیت‌ها است. فمینیست‌های معاصر براساس این تفکیک، ادعای برساخت بودن بسیاری از ویژگی‌های زنانه را که به طور سنتی، طبیعی تلقی می‌شوند، مطرح نموده، از این رهگذر نظریه‌های انتقادی و هنجارین خود در راستای فروتر نبودن زنان را پایه‌گذاری می‌کنند. مسئله تفکیک جنس و جنسیت، کلیه نظریه‌های اجتماعی فمینیستی در گرایش‌های مختلف را با خود درگیر نموده و به نحوی به عنوان مفهوم مرکزی همه نظریه‌های اجتماعی فمینیستی شده است. براساس همین مبنا، ارائه نظریات منسجم در حوزه مطالعات زنان یا در پاسخ به



ایده‌های فمینیستی، منوط به توجه و تفتن به این انگاره بنیادین است (کدخدایی، برزگر و زارعی، ۱۳۹۷، ص ۵۴). این تحقیق از نوع نظری بوده و از حیث بررسی تطبیقی دو رویکرد قرآنی و اسناد بین‌المللی در حوزه امنیت جنسی و جنسیتی زنان به نوبه خود تحقیقی بدیع است، اما در بخشی از موضوع تحقیق، می‌توان به تحقیقی با عنوان: «نگاهی بر رویه نهادهای بین‌المللی در هنجارسازی و توسعه مفاهیم حوزه زنان» اثر حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد (۱۳۹۶) اشاره داشت. همچنان که شادمانی (۱۳۹۷) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی عملکرد سازمان ملل متحد در دفاع از حقوق زنان» به این موضوع پرداخته و به بررسی حمایت‌های این نهاد و میزان موفقیت آن پرداخته است. این پژوهش از نوع متن‌محور بوده و با بررسی متون دینی و حقوقی و با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، به مقایسه دو رویکرد قرآنی و اسناد بین‌المللی در زمینه تأمین امنیت زنان پرداخته است.

۲. مفاهیم پژوهش

واژه امنیت حاصل مصدر و برگرفته از واژه «امن» عربی است. امن ضدّ ترس و به گفته برخی نقیض آن است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۳). برخی امنیت را به معنای رهایی از ترس احتمالی یا فعلی و احساس تهدید و خطر دانسته‌اند؛ بنابراین، امنیت، حالت نفسانی و احساس درونی است که با منشأ و خاستگاه خارجی در درون انسان شکل می‌گیرد. درباره دو مفهوم جنس و جنسیت و امنیت جنسی و جنسیتی نیز با وجود تحقیقات در این زمینه نمی‌توان به صورت قطعی تعریفی مشخص برای این دو مقوله ارائه نمود؛ ولی بطور خلاصه و ضمنی می‌توان با توضیحاتی ادعا نمود: تفکیک «جنس» و «جنسیت» از مبنایی‌ترین انگاره‌های فمینیستی تلقی شده است. جنس یا sex به ویژگی‌های زیستی و بیولوژیکی گفته می‌شود؛ اما جنسیت یا gender به نقش اجتماعی و عناصر ناظر بر تعریف عملکرد و جایگاه فرد در اجتماع از منظر جنسی اشاره دارد. از دید مصداقی نیز، جنس دربردارنده شناسه‌هایی مانند هورمون‌ها، اندام‌ها و پیکربندی‌های فیزیکی و بدنی هستند. اما جنسیت به نقش‌های اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، کلیشه‌های ذهنی و مفاهیم قراردادی مرتبط با آن می‌پردازد. بنابراین، در امنیت جنسی، زنان به دلیل فیزیک خاص بدنی که دارند، ممکن است تجربه‌های گوناگونی از تجاوز و ناامنی جنسی را تجربه کنند. زنان عموماً از نظر توان جسمی در سطحی پایین‌تر از مردان قرار دارند و این امر در نزاع‌ها و درگیری‌ها باعث می‌شود که در بیشتر موارد مغلوب باشند. یکی از جدی‌ترین آسیب‌هایی که آنان را تهدید می‌کند، احساس ناامنی و ترس از مواجهه با آزارهای جنسی است و با وجود تدابیر حفاظتی، قانونی و عرفی که برای آنان وجود دارد، این مشکل به یکی از دغدغه‌های مشترک زنان در سطح جهان تبدیل شده است. اما امنیت جنسیتی به گونه‌ای از امنیت اطلاق می‌شود که فردی به صرف جنسیت خاص خود، نسبت به جایگاه، حقوق و شخصیت خود احساس امنیت می‌کند و جنسیت خاص او مانعی برای رسیدن به حقوق و امتیازات انسانی او نمی‌شود.



۳. یافته‌های پژوهش

اسناد بین‌المللی به تبع مکاتب غربی و فمینیستی، سعی نموده‌اند جنسیت (روحیات و احوالات زنانه و مردانه) را از جنس (از متن واقعیت طبیعی و بیولوژیکی زن و مرد) یکسره جدا کنند و رؤیای «انسان جنسیت زدوده» را در سر پیورانند؛ اما آیا انسان جنسیت زدوده به راستی انسان است؟ و آیا «بیطرفی جنسی» ایدئولوژی قابل قبولی است؟ چرا این دو مفهوم از هم جدا شده‌اند؟ می‌توان ادعا نمود که اهداف خاص فمینیست‌ها و پارادایم فکری آنها منجر به این تقسیم‌بندی و مفهوم‌شناسی خاص شده است؛ در حالی که در اسلام این تقسیم‌بندی، حداقل به این شدت وجود ندارد. اسلام به تفاوت‌های جنسی و جنسیتی زنان و مردان معتقد است. البته در عین حال نگاه ارزشی به این تقسیم‌بندی ندارد. این تقسیم‌بندی نیز با توجه به واقعیت‌های طبیعی و بیولوژیکی زنان و مردان انجام پذیرفته است. بنابر همین تفاوت‌ها نیز تقسیم نقش‌ها، وظایف و حقوق صورت می‌گیرد. مکاتب غربی و فمینیستی اصرار دارند که از طرفی بین جنسیت و جنس فرق بگذارند و بگویند ممکن است نقش‌های جنسیتی کسی متفاوت از جنس او باشد. از طرفی نیز درصدد از بین بردن تمایزهای جنسی و جنسیتی بین زن و مرد هستند. از همین‌رو به سمت اصل عدم تبعیض و اصل برابری جنسیتی پیش رفته‌اند.

۳-۱. رویکرد قرآن در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان

اگرچه زنان و مردان از حیث انسانیت مشترک‌اند؛ اما اقتضای بروز جلوه‌ها و نقش‌های انسانی در آنها در جامعه تفاوت‌هایی دارد. با وجود اختلاف در اهداف در تعریف مسئله جنس و جنسیت با مکاتب فمینیستی، می‌توان قرآن را پیش‌تاز تأمین امنیت جنسی و جنسیتی برای زنان برشمرد.

♦ الف. تأمین امنیت جنسیتی زنان در رویکرد قرآنی

در امنیت جنسیتی به معنای تأمین حقوق و امنیت برای جنسیت زنان که بوسیله قرآن برای زنان تأمین شده، می‌توان به این موارد به صورت خلاصه اشاره نمود:

(۱) **امنیت حق حیات و جلوگیری از زنده بگور کردن دختران:** از اولین اقدامات قرآن در امنیت جنسیتی زنان، دادن حق حیات و زندگی به دخترانی بوده که به حکم خرافه‌گرایی محکوم به مرگ و نیستی بوده‌اند. مبارزه با فرهنگ غیرانسانی دخترکشی، به عنوان اولین گام در سیر نزول آیات در قرآن مطرح شده است. در سوره تکویر به نوعی اولین سوال در قیامت، سوال از علت کشته شدن مقتولی مظلوم است. «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر، ۹-۸). بسیاری از مفسران این آیه را به سنت جاهلی زنده بگور کردن دختران مربوط دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۰۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۴۶). حساسیت فوق‌العاده و توجه خاص قرآن به این مسئله در ابتدای نزول وحی - در سوره تکویر که هفتمین سوره در سیر نزول قرآن می‌باشد - و پرداختن به آن با ادبیاتی خاص و پیش از بسیاری از موضوعات اعتقادی،



اخلاقی و اجتماعی، نشان از اهتمام فوق‌العاده قرآن در ریشه کردن این عمل زشت و تغییر بینشی نسبت به مسئله زن و تأمین امنیت او دارد. بنابراین، قرآن در همان ابتدای حضور خود در جامعه به حق حیات و زیست زن به عنوان اولین حق هر انسانی توجه کرده و جامعه را نسبت به آن حساس نموده است.

(۲) امنیت انتساب نسلی: یکی از دغدغه‌های مهم زنان، نقش و جایگاه آنان در پروسه انتقال نسل است. نقش زنان به عنوان مادر در فرایند توالد چیست؟ انتساب فرزندان به مادر در کنار انتساب به پدر از حقوق اولیه زنان می‌باشد که در طول تاریخ مورد غفلت عمده قرار گرفته بود. قرآن ضمن توجه به این مسئله، در سوره کوثر که پانزدهمین سوره در سیر نزول است، به مفهوم کوثر اشاره نموده و به پیامبر خاتم(ص) دستور می‌دهد که به شکرانه اعطای کوثر به او، نماز بگذارد و قربانی نماید. با اینکه برای کوثر مصادیقی ذکر شده، اما بسیاری از مفسران، کوثر را به معنای خیر کثیر (فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۲۹۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۵۶۹) و برخی نیز مصداق عینی آن را امتداد نسل پیامبر دانسته‌اند که تنها از طریق دخترشان بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱۳). در واقع این سوره، یکی از اعتقادات غلط فرهنگ جاهلی که ریشه در اعتقاد بسیاری از اقوام پیشین داشت و معتقد بود نسل انسان، تنها از طریق فرزند پسر امتداد پیدا می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۰۵) و مردان را فقط وسیله ابقای نسل می‌دانستند را ریشه‌کن نمود. قرآن با پرداختن به این موضوع و رسمیت‌بخشی به این عنوان در همان ابتدای نزول قرآن، به امنیت‌بخشی جنسیتی به زنان به عنوان مادر در پروسه انتقال نسلی و توالد اقدام نمود.

(۳) امنیت زنان در ساختار خانواده: با توجه به نقش پررنگ مردان در اداره جامعه به علت ظرفیت‌های خاص روحی و جسمی که دارند، یکی از دغدغه‌های زنان، جایگاه و نقش آنان در جامعه می‌باشد. قرآن با توجه دادن به ظرفیت‌های روحی و جسمی زنان، در جهت تأمین این دغدغه و ایجاد امنیت روحی و روانی، جایگاه زن را در کانون خانواده به عنوان کوچک‌ترین، ولی مهم‌ترین نهاد اجتماعی تعریف نموده است. رویکرد قرآن در تأمین امنیت جنسیتی زنان در بستر خانواده، بیشتر معطوف به نقشی است که برای زن به عنوان مادری و همسری تعریف کرده است. قرآن با تعریف هویت و نقش زن در بستر خانواده و قرار دادن مسئولیت‌ها و وظایف دیگران در قبال او، درصدد تأمین امنیت جنسیتی برای زن می‌باشد. در ساختار خانواده، زن نقش اصلی را داشته و به عنوان مادر و همسر، تنظیم‌کننده روابط و خالق بسیاری از رفتارهای بعدی اعضای خانواده در بستر جامعه می‌باشد. در این کانون وظایف بسیاری به عهده همسر و فرزندان در رابطه با نقش مادری دیده شده که افراد با قید وجوب فقهی و اخلاقی، موظف به انجام آن هستند. ایفای این وظایف که به عنوان حقوق مادری و همسری مطرح شده است، اقدام مهمی در جهت تأمین امنیت جنسیتی زنان در ابعاد مختلف می‌باشد. بخشی از این حقوق مادری و همسری در رساله امام سجاده(ع) مطرح شده است. قرآن در آیه ۲۳۳ سوره بقره ضمن بیان دستوراتی در زمینه ایام شیرخوارگی



فرزندان، دستورات متعددی در جهت تأمین امنیت روحی، روانی و تأمین احتیاجات مادران می‌دهد که حتی در صورت فقدان و مرگ شوهر نیز این مسئولیت‌ها نسبت به مادر باید انجام پذیرد. قرآن تأکید دارد که در دوران شیرخوارگی، به کودکان و مادران آنها توجه کنید و حقوق و هزینه‌های آنان را تأمین نمایید. همچنین هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن برعهده پدر نوزاد است، تا مادر بتواند با خاطری آسوده فرزندش را شیر دهد (بقره، ۲۳۳). قرآن ابتدا در سوره روم (آیه ۲۱) که در مکه نازل شده، نظام همسری و ازدواج را مبتنی بر مودت و عاطفه و آرامش بین زن و مرد برقرار کرده، رابطه میان آن دو را مبتنی بر عشق و محبت قرار داده است (برخلاف غرب که روابط را مبتنی بر مسائل جنسی و بهره‌برداری‌های جنسی قرار داده است). از این‌رو به دنبال تنوع‌طلبی بوده و با سیری‌ناپذیری، به دنبال ازدواج با همجنس و حیوانات ... رفته و حتی به آن رسمیت داده است. دسترسی به زنان و تأمین نیازهای جنسی مردان را ضابطه‌مند و در چارچوب مشخصی تعیین نموده است (مومنون، ۵؛ معارج، ۲۹). شرط ازدواج با بیش از یک زن را عدالت مرد قرار داده (نساء، ۳) که این ویژگی عدالت یک تضمین رفتاری و روانی برای امنیت زنان و خانواده می‌باشد؛ این درحالی است که اگر ویژگی‌های دیگری مانند تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی یا اطلاق در این موضوع قرار داده می‌شد، هیچ‌کدام نمی‌توانست امنیت روانی برای خانواده باشد. البته اینکه در مقام عمل و تحقق خارجی، بعضی ممکن است به این قیود کم‌توجهی کنند، دلیل بر نقص اصل قانون نیست. گاهی بهترین و محکم‌ترین قانون‌ها نیز از طرف برخی افراد نقض می‌شوند. اما در مقام قانون‌گذاری این شرط بهترین و متقن‌ترین قانون ممکن است. بعد از تثبیت اولیه مسئله ازدواج، در سوره‌های مدنی به مسائل حقوقی و مالی و ... پرداخته شده است. در قرآن یک سوره به نام زنان نامگذاری شده و در چند سوره به صورت گسترده، بسیاری از مسائل حقوقی، مالی، عاطفی و خانوادگی مربوط به زنان مطرح و نظام و چارچوبی برای آن تعیین شده است (روم، بقره، نساء، طلاق، ممتحنه، احزاب، نور). مسائلی که دربرگیرنده نظام عاطفی، مالی (مهریه، ارث، نفقه)، جدایی و طلاق، روابط با همسر و فرزندان - حتی مسئله شیر دادن - (بقره، ۲۳۳) و دیگران، پیوند زناشویی و ازدواج و ... می‌باشد. در این بین از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی مربوط به ازدواج، طلاق و ارث و ... و اصلاح آنها و تغییر جهت و تنظیم مقررات مربوط به آنها همچون سنت غلط طهار (مجادله، ۴-۱) و حق زن در تصمیم برای ازدواج (بقره، ۲۳۲)، مسئله جنسی موقع حیض (بقره، ۲۲۲)، مهریه (نساء، ۴)، حق نفقه و تأمین مالی (نساء، ۳۴)، دفاع از آبرو و حیثیت اخلاقی زنان پاک دامن (نور، ۵-۴) و ... پیگیری می‌شود.

۴) تأمین امنیت مالی: یکی از دغدغه‌های مهم هر انسانی از جمله زنان، تأمین نیازها و احتیاجات اولیه در زمینه خوراک و پوشاک و ... می‌باشد که به طور خلاصه می‌توان به آن امنیت مالی و اقتصادی اطلاق نمود. تأمین مالی زن توسط مرد بوسیله نفقه، مهریه و ارث ابزار قرآن در جهت امنیت اقتصادی زن می‌باشد. مردان در نقش پدری، همسری و فرزندی موظف به تأمین مایحتاج زنان (دختر، همسر، مادر)



تحت عنوان نفقه هستند. همچنین مردان به عنوان همسر موظف به تأمین مالی زنان تحت عنوان مهریه‌ای می‌باشند که با تعیین زن صورت می‌گیرد. اسلام مسئولیت تأمین بودجه را از دوش زن برداشته تا او در کمال آرامش و آسایش به مسئولیت مهم و خطیر پرورش نسل و مدیریت و گرم کردن کانون خانواده بپردازد. در نگاه دینی، زن نه پهلوانی است که باید در زیر مشکلات زندگی کمر خم کند، بلکه چونان گلی است که باید ظرافت‌های خاص او در تعاملات با وی لحاظ شود (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). این درحالی است که امنیت مالی که زن در اسلام در دارایی خود دارد، تا چندی پیش در حقوق غالب کشورها وجود نداشته، یعنی زن مثل صغیر و مجنون، محجور و از تصرف در اموال خود ممنوع بوده است. در انگلستان در سال ۱۸۷۰ و ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار و ایتالیا در سال ۱۹۱۹م. از زن رفع حجر شد. در سال ۱۹۰۰م. در قانون مدنی آلمان و در سال ۱۹۰۷م. در قانون مدنی سوئیس، زن مانند شوهر خود دارای اهلیت شد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۲۱۴، به نقل از: شایگان در شرح حقوق مدنی). در حالی که قرآن این امنیت مالی را ۱۳ قرن قبل بدون اینکه مسئولیت تأمین مخارج زندگی را برعهده زن بگذارد و او را از کانون گرم خانواده دور کند به او اعطاء کرده است. قرآن استقلال مالی و اقتصادی زن را به رسمیت شناخته و برای آن نیز قواعدی قرار داده است. زن در عین اینکه حق کسب درآمد و ثروت دارد، ولی در امور اقتصادی منزل وظیفه‌ای برعهده ندارد و وظیفه تأمین مخارج و احتیاجات او- حق مسکن، حق پوشاک، حق خوراک، پول شیر دادن به فرزند و... حتی با وجود استغنا مالی، برعهده شوهر می‌باشد؛ «للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن» (نساء، ۳۲). اکتساب که به معنی تحصیل کردن و بدست آوردن است، مفهوم وسیعی دارد، هم کوشش‌های اختیاری را شامل می‌شود و هم آنچه را که انسان بوسیله ساختمان طبیعی خود می‌تواند بدست بیاورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۶۴). بنابراین، قرآن ضمن توجه به نیازهای مالی و زیستی زنان، در راستای تأمین امنیت مالی و اقتصادی آنان تدابیری اندیشیده است.

۵) امنیت شغلی: تقسیم کار جنسیتی، از مسائل عام و جهانشمولی است که در تمام جوامع و در طول تاریخ وجود داشته و دارد. برخی معتقدند آشکال متفاوت و مختلف مجموعه کارهای زنانه و مردانه، گویای این واقعیت است که تقسیم کار جنسیتی یک امر اجتماعی است، و نه طبیعی (بلوردی، ۱۳۹۹، ص ۳۱). در حالی که اسلام مبنای این تقسیم‌بندی را توجه به طبیعت و اقتضات زنانه و مردانه می‌داند. راهبرد اولیه قرآن در زمینه مسائل مالی و اقتصادی و به تبع آن شغلی زنان، رفع هرگونه فشار و دغدغه بر زن جهت تأمین نیازهای اقتصادی خود است. بنابراین، از آنجایی که قرآن زنان را وارد پروسه درآمدزایی نکرده است، مسئله شغل و تبعیض جنسیتی در مشاغل، مسئله‌ای فرعی درباره زنان می‌باشد. از این رو جایگاه اصلی تأمین امنیت اقتصادی زنان در محیط خانواده بوده و در آموزه‌های قرآنی و دینی، تصویب حقوق ویژه مالی همچون مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، ارث، دیه، در کنار حق تملک و استقلال مالی، بدون



تحمیل هرگونه تکلیف اقتصادی جهت تأمین امنیت اقتصادی زنان پیش‌بینی شده است. قرآن در مرحله اول- برخلاف رویه فمینیست‌های غربی که با تصویب حقوق و تکالیف اقتصادی همسان میان زنان و مردان و ایجاد زمینه‌ها و شرایطی در جهت تسهیل ورود زن به اجتماع همانند مراکز پیشگیری از باروری، سقط جنین، تحقیر کار خانگی زن، استحاله نقش‌های اعضای خانواده و سست نمودن بنیان خانواده به عنوان مانعی برای رسیدن به برابری اقتصادی، درصدد تأمین امنیت اقتصادی و شغلی زنان بوده است- دیگران را موظف به تأمین اقتصادی زنان می‌کند تا نیازی به شغل بیرون برای تأمین نیازهای مالی خود نداشته باشد. با این وجود زنان به دلایل مختلف ازجمله نیاز جامعه به مشاغل خاص زنان یا شرایط خاص برخی از زنان، ممکن است نیاز به کار و فعالیت اقتصادی بیرون از منزل پیدا کنند. در این صورت با ملاحظه این مسئله که زنان به لحاظ طبیعی تفاوت‌هایی با مردان دارند و بافت فیزیکی، جسمی و لطافت روحی زن طوری است که نمی‌تواند در برابر برخی فشارها و سختی‌ها مقاومت کند؛ از این‌رو نقش متفاوتی را برای زن و مرد در عرصه اجتماع و شغل ضروری می‌سازد. توجه به این مسئله مهم است که اسلام زن را ریحانه‌ای می‌بیند که توان خاص و محدود جسمی و روحی دارد و از دیگران می‌خواهد انتظار کارهای سخت و قهرمانانه را از او نداشته باشند. در بیان امیرالمومنین (ع) آمده است: «و لا تُمَلِّكِ المرأةَ مِنْ أَمْرِها ما جَاوَزَ نَفْسَها؛ فَإِنَّ المرأةَ رَیحانةٌ وَ لَیْسَتْ بِقَهْرمانَةٍ...»، به زن کاری را که از حد و توان او فراتر است، مسپار؛ زیرا زن گُل است نه قهرمان...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این نکته یکی از مسائل مهمی است که در جهت امنیت شغلی زنان بایستی مورد توجه قرار گیرد. مسئله بعدی در این موضوع محدودیت‌های خاصی است که در روابط اجتماعی زنان و مردان در راستای امنیت‌بخشی به زنان قرار داده شده است. این امنیت خاطر روانی در تحقیقات میدانی نیز به اثبات رسیده است. یک مطالعه تطبیقی که در ۶۶ کشور صورت گرفته، نشان می‌دهد هرچه زنان در محیط‌های عمومی بیشتر با مردان مرتبط و مختلط باشند، میزان طلاق بالاتر خواهد رفت (بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷). همچنین نتایج یک تحقیق میدانی در شهر تهران نشان می‌دهد، هرچه مدت زمانی که افراد در بیرون از خانه به سر می‌برند بیشتر می‌شود، احساس امنیت در آنها کمتر شده و زنان متأهل بیشتر از دختران مجرد احساس امنیت دارند (نجارنهادی و آهنگر سلابتی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵).

این نحوه حضور هم به امنیت زنان در جامعه و هم به امنیت جامعه کمک می‌کند. جامعه‌ای که بخشی از اولویت‌های آن به سمت مسائل جنسی نمی‌رود و فضای کار و تلاش در آن حاکم می‌شود. در سوی دیگر، حاکمیت‌ها و جوامع انسانی غربی که بدن‌بال از بین بردن مرزهای جنسیت و کمرنگ‌سازی جنسیت در معادلات اجتماعی و اقتصادی و... بوده‌اند و چاره این مسئله را در اصل عدم تبعیض و یکسان‌سازی حقوق در تشابه زنان به مردان و تغییر نقش‌ها دانسته‌اند، اگر به این دستور قرآنی توجه می‌نمودند، به نتایج بهتری می‌رسیدند. قرآن در راستای تأمین امنیت برای زنان در عرصه اجتماع ازجمله



در مسئله امنیت شغلی، تاکید خاصی بر حجاب و حریم اسلامی دارد. رعایت حجاب و حریم‌های دینی، موجب کنترل غرایز، التهابات جنسی و جسمی و نیز مانع از معاشرت‌های بی‌بندوبار در محیط‌های کاری می‌گردد که همین امر سلامت اخلاقی جامعه را به ارمغان خواهد آورد. اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۳). از این رو، قرآن کریم با منع اختلاط و ارتباط بیش از ضرورت زن و مرد نامحرم، به رعایت حریم در معاشرت با نامحرم دستور می‌دهد و می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب، ۵۳)، «و چون متاعی (از وسائل زندگی) از آنان (زنان پیامر) خواستید، از پشت پرده بخواهید، که این کار پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان». دستور قرآن در این زمینه آن است که زنان مسلمان، طوری در جامعه ظاهر شوند که سلامت جامعه دچار مخاطره نشود و حرکات آنها سبب تحریک و تهییج شهوات نگردد. در اسلام حضور زنان در جامعه منع نشده، بلکه آنچه در شرع مقدس ممنوع شده، تَبَرُّج و خودنمایی و تحریک و تهییج به وسیله آشکار ساختن زینت در محافل اجتماعی است؛ چنانکه می‌فرماید: «و لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب، ۳۳) نتیجه این خودنمایی و تبرج، آلوده ساختن محیط اجتماعی، پررنگ شدن انگیزه‌های جنسی و ایجاد ناامنی روانی در جامعه می‌باشد که برگشت مستقیم آن در مرحله اول به خود زنان است. بنابراین، زنان برای برآوردن نیازهای ضروری خود از جمله نیاز به شغل، با رعایت شرایط ذکر شده، می‌توانند با امنیت برخاسته از رعایت دستورات قرآنی به تأمین خواسته‌های خود اقدام کنند.

♦ ب. تأمین امنیت جنسی زنان در رویکرد قرآنی

اسلام برخلاف باور فرویدی- که چنان به غریزه اهتمام ورزیده که می‌خواهد همه حقیقت انسان را در این افق تحلیل کند و ثمرات آن را در رویکردهای لیبرالیستی نشان داده و مدار اخلاق جنسی را بر اصلت غریزه جنسی و «آزادی جنسی» قرار داده است- مبنای تحلیل خود درباره وضع جنسی انسان را براساس پذیرش فطرت الهی بشر قرار داده است. از این رو تصویری از زندگی انسان ارائه کرده که نه همه زندگی، باورها و رفتارهای انسان را به امر جنسی فرو می‌کاهد و نه امر جنسی را امری اساساً نامطلوب و خلاف انسانیت قلمداد می‌کند (سوزنچی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۱). در اسلام برای حل مسئله غریزه جنسی، سه راه حل اساسی توصیه شده که عبارتند از: خویشن‌داری و عفت، پرهیز از تحریک محیطی و ارضای متعادل در قالب ازدواج. همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات قرار دادن، آن را دیوانه می‌سازد و چون امکان ندارد



همه خواسته‌های بی‌پایان يك فرد برآورده شود، غریزه بدتر سرکوب می‌شود و عقده روحی به وجود می‌آید. بنابراین، برای آرامش غریزه دو چیز لازم است، یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری، جلوگیری از تهییج و تحریک آن (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۶۰). در تأمین امنیت جنسی به معنای تأمین حقوق و امنیت امور جنسی برای زنان، در راهبرد قرآنی می‌توان به چند مورد اشاره نمود، از جمله:

۱. امنیت جنسی بوسیله ازدواج: غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است و هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. نبود حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را افزایش داده و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی‌آورد. بنابراین، غریزه جنسی برخلاف ادعای افرادی چون راسل، با آزاد گذاشتن کامل و فراهم کردن وسائل تحریک، هرگز سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۴). طبق تحقیقات میدانی و آماری نیز زنان متأهل بیشتر از دختران مجرد احساس امنیت دارند (نجار نهوندی و آهنگر سلابتی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶). بنابراین، قرآن با قرار دادن ضوابط محکم و حکیمانه و منطقی برای ازدواج در قالب میثاق غلیظ (نساء، ۲۱)، به ساماندهی غرایز جنسی زنان در قالبی مشروع و عرفی اقدام نموده است. از اهداف مهم ازدواج، تحصیل امنیت و آرامش و سکون قلبی زن و مرد در سایه برقراری ارتباط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک در کنار هم می‌باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، در میان انسان‌ها نزدیک‌ترین و قوی‌ترین روابط عاطفی، بین زن و شوهر برقرار می‌شود و همین رابطه در کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نقش اساسی دارد (سالاری‌فر، ۱۳۹۵، ص ۵۴-۵۳). در قرآن از تعبیر لباس برای رابطه زن و شوهر استفاده شده (بقره، ۱۸۷) که کنایه از آرامش بخشی این دو، نسبت به هم دارد. اساس ازدواج در قرآن بر تأمین امنیت روانی و آرامش قرار گرفته است؛ «التسکنا...» (روم، ۲۱). اسلام ازدواج را امری مقدس می‌داند، برخلاف مسیحیت که مجرد بودن را ارزش می‌داند و لذا، پاپ و روحانیون مسیحی نباید ازدواج کنند و جواز ازدواج برای مسیحیان به خاطر جلوگیری از فساد بیشتر و به اصطلاح دفع فاسد به فاسد است (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۷۷).

۲. انحصار مشروعیت رفتار جنسی در ازدواج: قرآن با مبارزه و تنبیه رفتارهای جنسی خارج از محدوده مشروع مانند مقابله با تجاوز جنسی، روسپی‌گری، زنا با محارم، همجنس‌بازی، خودارضایی و... به تضمین رفتارهای جنسی مشروع اقدام نموده است. البته در همین جا نیز ضوابطی برای اثبات اتهام به زنان قرار داده و از اقدامات خودسرانه و بی‌قاعده افراد علیه آبرو و امنیت روانی و شخصیتی آنان جلوگیری نموده است (نور، ۱۹-۴). قرآن برای تأمین امنیت آبرویی و شخصیتی زنانی که مورد اتهام جنسی ناجوانمردانه قرار گرفته‌اند، ضمن حمایت از زنان پاکدامن، شدیدترین تهدیدها را نسبت به برهم‌زنندگان امنیت روانی و آبرویی این زنان وارد می‌کند (نور، ۲۳). از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی



و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۳).

۳. امنیت جنسی زنان مطلقه: تأمین مالی زنان مطلقه (بقره، ۲۳۶-۲۴۱) از مواردی است که در راهبرد حکیمانه قرآن مورد توصیه و دستور دینی و فقهی قرار گرفته است. اتفاق و تأمین مالی شوهر نسبت به زن مطلقه خود در ایام عده، طبق راهبرد خاص قرآنی، علاوه بر تأمین مالی زن در معرض آسیب جنسی، می‌تواند به عنوان انگیزه‌ای برای بازگشت به پیوند زناشویی باشد. این در حالی است که در برنامه‌های رایج در کشورهای غربی، در حمایت بلندمدت از زنان مطلقه، این نوع حمایت‌های بی‌ضابطه می‌تواند به عنوان انگیزه‌ای برای خودداری از ازدواج مجدد قرار گیرد (بستان نجفی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲).

۴. تأمین نیاز جنسی بردگان و کنیزان: قرآن در راستای تأمین امنیت جنسی برای همه اقشار جامعه تلاش کرده است و حتی افراد تهی‌دست و دارای منزلت اجتماعی و اقتصادی کم را نیز فراموش نکرده و برای آنها برنامه‌ریزی کرده است. قرآن - برخلاف برخی جوامع به اصطلاح متمدن و مدعی پیشرفت که به برده‌داری جنسی، نوعی مشروعیت قانونی داده و آن را به عنوان صنعت و درآمد اقتصادی قلمداد می‌کنند - برای غلامان و کنیزان نیز حق ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده و به افرادی که مسئولیت اداره آنان را دارند، توصیه به فراهم کردن مقدمات ازدواج برای آنان کرده است، «و أنکحوا الأیامی منکم و الصالحین من عبادکم و إیمانکم إن یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم» (نور، ۳۲)، پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند و خداوند، گشایش‌گر داناست.

۳-۲. اسناد بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان

بخشی از حقوق بین‌الملل جنبه عام داشته و همه افراد در تمام شرایط را دربرمی‌گیرد، اما بخش دیگری از این قواعد، جنبه خاص دارند که با هدف حمایت از گروه خاصی از افراد نهاده شده است؛ برای نمونه می‌توان به حقوق بین‌الملل در مورد جامعه زنان و حمایت از آنان اشاره کرد. معاهدات و سازوکارهای بین‌المللی نظارتی متعددی در حوزه حقوق بشر ویژه زنان وجود دارد. منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی و پس از جنگ‌های خانمان‌سوز اول و دوم جهانی و کشتار میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان، بوسیله قدرت‌های پیروز و بزرگ جهان نگاشته شد. این منشور موجب پدید آمدن اسناد بین‌المللی در تضمین و حمایت از حقوق انسان‌ها و از جمله زن شده است. منشور ملل متحد، اولین سند بین‌المللی الزام‌آور است که تساوی زن و مرد را برای دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، به صورت واضح و آشکار ذکر کرده است. در مقدمه منشور آمده است: «ما مردم ملل متحد ... به تساوی حقوق بین مرد و زن ...



مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد، تشریک مساعی کنیم». در ماده یک منشور، «بند سوم» به «حصول همکاری بین‌المللی و... پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب» تاکید شده است. همین عبارت، در بند «ب» ماده ۱۳ منشور درباره وظایف مجمع آمده است: «ترویج همکاری بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب» و در ماده ۵۵، بند «ج» باز هم بر تساوی بین زنان و مردان تاکید می‌کند: «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب» (منشور ملل متحد، ۱۳۹۴، ص ۱۱-۴۳). این منشور در زمره اولین حمایت‌های جهانی از حقوق بشر و حقوق زن بوده و هیچ سند حقوقی قبلاً به این شدت و قدرت به برابری همه انسان‌ها تاکید نکرده بود و به خصوص، تبعیض براساس جنسیت را محکوم نکرده بود. بنابراین، سازمان ملل در اولین اقدام برای تأمین امنیت جنسیتی زنان، به عدم تبعیض و تساوی حقوق زنان با مردان پرداخته است. به فاصله کوتاهی از تدوین منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی توسط چند کشور در سازمان ملل و در ۳۰ ماده تدوین و تصویب شد. این اعلامیه در چندین ماده به اصل آزادی و برابری اشاره نموده است. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به این شرح است: هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در تمام امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی هستند. ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود. خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۳۹۷، ص ۲۴). همچنین در بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۳۹۷، ص ۱۷). همانگونه که در این اعلامیه تصریح شده است، بحث ازدواج و خانواده و حمایت از کانون خانواده مورد توجه سیاستگذاران این عرصه، جهت حمایت از زنان و امنیت آنان بوده است. البته همچنان بحث تساوی حقوق زنان با مردان دغدغه اصلی سیاستگذاران در این عرصه بوده است. البته با توجه به اینکه سیستم اجرایی خاصی در این اعلامیه پیش‌بینی نشده است، این اعلامیه بیشتر به یک سند سیاسی که درصدد ایجاد حداقل‌های مشترکی در حقوق انسانی بوده، شبیه است. از این‌رو، این اعلامیه معاهده و هنجار و الزام حقوقی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کند. هرچند رفته‌رفته این اعلامیه به عنوان عرف پذیرفته شده بین‌المللی حقوق بشر، نزد اغلب کشورها پذیرفته شده و بنا به ادعای برخی، اکنون به یک سند معتبر و لازم‌الاجرا تبدیل شده است (موسوی، ۱۳۹۵، ص ۵).



در میان اسناد بین‌المللی ارائه شده برای ارتقای وضع زنان، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مهم‌ترین سندی است که اساس تفکر سازمان ملل متحد را در این زمینه تشکیل می‌دهد. این کنوانسیون حاصل سی سال تلاش کمیسیون مقام زن است که در سال ۱۹۷۹ م. به تصویب مجمع عمومی رسید. هدف ایده‌آل کنوانسیون، رسیدن به جامعه‌ای در سراسر جهان است که در آن زنان و مردان مساوی باشند. جامعه‌ای که سنت‌ها، عادت‌ها، اعتقادات و نظام ارزشی گذشته و حال در آن مورد سوال قرار گیرد و اشکال جدید مساوات‌گرایی براساس تفکر جدید ایجاد شود. این کنوانسیون همانند سایر معاهدات براساس و مبنای تفکر فمینیستی و غربی شکل گرفته و تشابه حقوق مرد و زن را بیان می‌کند (آخوندیان، ۱۳۹۵، ص ۱۴، ۲۲). برخی از اسناد بین‌المللی مرتبط با حوزه زنان عبارتند از: کنوانسیون حقوق سیاسی زنان ۱۹۵۲؛ کنوانسیون بهبود حمایت خارج از کشور ۱۹۵۶؛ کنوانسیون ملیت زنان ازدواج کرده ۱۹۵۷؛ کنوانسیون رضایت در ازدواج ۱۹۶۲؛ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹؛ اعلامیه محو خشونت علیه زنان ۱۹۹۳؛ قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت اکتبر ۲۰۰۰ با موضوع «زنان، صلح و امنیت»؛ قطعنامه ۶/۳۰ شورای حقوق بشر ۲۰۰۷ با عنوان «یکپارچگی حقوق بشر زنان در نظام ملل متحد»؛ قطعنامه ۱۲/۱۷ شورای حقوق بشر ۲۰۰۹ با موضوع «رفع تبعیض علیه زنان»؛ تفاسیر کلی کمیته منع تبعیض علیه زنان؛ برنامه عمل پکن ۱۹۹۵ و ... همچنین ارگان‌های مختلف سازمان ملل متحد، از جمله نهاد زنان ملل متحد، کمیسیون مقام زن، کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد، گزارشگران موضوعی و کشوری در چارچوب شورای حقوق بشر، از جمله گزارشگر منع قاپاق و استثمار زنان، گزارشگر منع خشونت علیه زنان و غیره، نهادهای مبتنی بر معاهده از جمله کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ... تنها برخی از نهادهایی هستند که استانداردهای حقوق بشری حوزه زنان را تدوین و نظام‌مند می‌کنند. با وجود قوانین متعددی که در حوزه زنان وجود دارد، قانونگذاری در جامعه بین‌المللی، به شیوه عدم تمرکز انجام می‌شود. در حقوق بین‌الملل حوزه زنان، هرگز یک نهاد مشخص به عنوان رکن قانونگذاری شناخته نشده است. در موارد نیاز به یک قاعده حقوقی جدید، دولت‌ها به عنوان تابعان سنتی حقوق بین‌الملل، از طریق معاهدات دوجانبه یا چندجانبه اقدام می‌کنند. بنابراین، موضوعات جداگانه در اسناد حقوقی مجزا تحت قاعده درمی‌آیند و به ندرت همه دولت‌ها همه اسناد را می‌پذیرند و تنها حقوق بین‌الملل عرفی و اصول کلی حقوقی، می‌توانند تمامی دولت‌ها را ملزم کنند (حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰). بررسی شیوه قانونگذاری در سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که قوانین متعددی که در راستای حمایت از زنان و حل مسائل آنان تصویب شده است، دارای وحدت رویه نبوده و به مرور دچار تغییرات اساسی شده است. به عنوان نمونه در ادامه به تغییرات در روند حق سلامت و اصل منع تبعیض اشاره می‌شود.

الف. حق سلامت: حق سلامت که ابتدا با هدف حمایت از زنان طراحی شد، اخیراً توسط نهادهای



بین‌المللی عمدتاً غربی به حوزه سلامت جنسی و باروری گسترش یافته است. براساس سند ۲۰۳۰، این حق به عنوان یک تعهد بین‌المللی تأکید شده و کمیته‌های بین‌المللی، گروه‌هایی مانند همجنس‌گرایان، تراجنسیتی‌ها و افراد دوجنسیتی را تحت پوشش این حق قرار داده‌اند. این رویکرد با نظام‌های حقوقی و ارزشی برخی کشورها در تضاد بوده و چالشی اساسی در حوزه حقوق بشر ایجاد کرده است (حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۵۰-۱۴۸). نهادهای حقوق بشری، دولت‌ها را متعهد به حذف کلیشه‌های جنسیتی می‌دانند که نقش زنان را محدود به امور خانه‌داری و مراقبت از کودکان و نقش مردان را معطوف به نان‌آوری و سرپرستی خانواده می‌کند. این نهادها، اینگونه نقش‌پذیری‌های متفاوت را که زنان را به عرصه خصوصی و مردان را به عرصه عمومی مرتبط می‌کند، به رسمیت نمی‌شناسند و آن را نقض حق سلامت جنسی و باروری می‌دانند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده که نهادینه شدن این کلیشه‌ها، مانع جدی برخورداری از سلامت جنسی است و دولت‌ها باید با آن مقابله کنند. این کمیته حتی به رسمیت شناختن حقوق کامل شاغلان در صنعت جنسی را نیز ذیل حق سلامت، از تعهدات دولت‌ها می‌داند (حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲-۱۵۱). امروزه از بُعد حقوقی دو نظریه متفاوت در موضوع دادوستد جنسی وجود دارد: نظریه‌ای که تنها «فحش‌های غیراختیاری» را ممنوع اعلام کرده و قانون جنایی را مسئول پیشگیری از آن می‌داند و در قوانین بین‌المللی با اصطلاح «فحش‌های اجباری» از آن یاد شده است. تعریف فحش‌های اجباری در پروتکل جنایات سازمان یافته مناطق‌های سازمان ملل عبارت است از: «تملک زنان و کودکان به منظور درآمد اقتصادی، ارضای جنسی و نهادینه شدن قدرت حاکمیت دلال‌ها، صاحبان خانه‌های فحشاء و گاهی مشتریان». رویکرد دیگر، فحشاء را برای زنان نوعی تمرین آزادی و اختیار می‌داند و آن را روسپی‌گری اختیاری و داوطلبانه تلقی می‌نماید (مکنون و عطایی‌آشنایی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱).

ب. اصل منع تبعیض: همچنین اصل منع تبعیض - که با هدف ایجاد برابری بین زن و مرد در حقوق انسانی مورد تأکید قرار گرفته و جزو اولین اهداف و اصول سازمان‌های بین‌المللی بوده است - به مرور دچار تغییرات اساسی شده است. در بیشتر اسناد بین‌المللی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده‌اند، حقوق هم‌جنس‌گرایان به رسمیت شناخته شده است. یکی از زمینه‌های تدوین این قوانین، وجود تحقیقات مبتنی بر نظرات خاص علمی در غرب بوده است. روانشناسان غربی ریشه بسیاری از بیماری‌های روانی و اجتماعی را احساس محرومیت، خصوصاً در امور جنسی دانسته و محرومیت‌ها را منشاء تشکیل عقده‌ها و مشکلات روانی قلمداد کرده‌اند. این نظریه علمی منجر به درخواست برای رفع محدودیت‌ها از قیود اجتماعی و اخلاقی در زمینه عفت جنسی در غرب شد؛ به طوری که پابندی به عفت و تقوا و قیود اخلاقی عامل برهم زنده آرامش روحی تلقی گردید (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۶۸). در دهه‌های اخیر برخی نهادهای بین‌المللی از جمله کمیته حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، کمیته



حقوق بشر و کمیته حقوق کودک، به تدریج و به طور تلویحی و ضمنی مفهوم منع تبعیض بر مبنای گرایش‌های جنسی یا هویت جنسی را نیز ذیل اصل منع تبعیض مطرح کرده‌اند. چنانکه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۲۰۱۶ در نظریه تفسیری شماره ۲۲ به صراحت به منع تبعیض بر مبنای گرایش‌های جنسی به عنوان یکی از مصادیق «سایر وضعیت‌ها» در متن ماده ۲ میثاق اشاره می‌کند و بر همین مبنای دولت‌ها متعهد شده‌اند که از هرگونه اعمال تبعیض علیه همجنس‌گرایان اجتناب کنند (حسینی اکبرنژاد و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۴۶). براساس اسناد سازمان ملل متحد، مفهوم «حق سلامت» دستخوش توسعه مفهومی شده و از تمرکز اولیه بر امنیت جنسیتی زنان، به سمت شمول مسائل جنسی گسترش یافته است. در این چارچوب، محدودیت‌های مربوط به فاحشه‌گری به عنوان مانعی در برابر حق سلامت جنسی تلقی شده و از دولت‌ها خواسته شده تا از آن به عنوان یک شغل حمایت کرده و همچنین از حقوق همجنس‌گرایان پشتیبانی کنند. همزمان، اصل بنیادین «منع تبعیض» که با هدف حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان تدوین شد، دچار تحولی ساختاری گردید و به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به همجنس‌گرایی تبدیل شده است. اسناد بین‌المللی با هدف محو ویژگی‌های ذاتی جنسیت و دستیابی به تشابه کامل حقوقی و تکالیفی بین زن و مرد، در پی دگرگونی بنیادین نقش‌های اجتماعی هستند. بررسی اسناد نشان می‌دهد که رویکرد اصلی نهادهای بین‌المللی، نه تنها رفع تبعیض، بلکه تغییر در مفاهیم بنیادین جرم و قانونگذاری است؛ به طوری که برای حل بحران‌های ناشی از پدیده‌هایی مانند روسپی‌گری، به سمت حذف عناوین مجرمانه و ایجاد چتر حمایت قانونی از آنها حرکت کرده‌اند. این تغییر، نشان‌دهنده یک گذار پارادایمی در تلقی از امنیت و حقوق جنسی در اسناد بین‌المللی است.

۴. نتیجه‌گیری

(۱) مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر بر پایه اصل آزادی و برابری شکل گرفته و سایر اصول از جمله جنسیت و امنیت جنسیتی بر این اساس بنا شده‌اند. بررسی اسناد سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد جنسیت‌زدگی و بی‌طرفی جنسی بخش مهمی از راهبرد این سازمان‌ها برای تأمین امنیت زنان در حوزه جنسیت و حتی مسائل جنسی می‌باشد.

(۲) آیا وجود این همه قانون و نهادهای قانونگذاری در حوزه زنان، به امنیت زنان در حوزه‌های جنسی و جنسیت منجر شده است؟ کارکرد نهادهای بین‌المللی عمدتاً بر ایجاد تشکیلات، ارائه توصیه و تهیه گزارش متمرکز بوده است. در مقابل، قرآن کریم از ۱۴ قرن پیش نظام منسجمی برای مسائل زنان ارائه نموده است.

(۳) رویکرد اسناد بین‌المللی مبتنی بر حذف ویژگی‌های زیستی جنسیت (مذکر/مونث) برای دستیابی به برابری کامل است که در عمل به شبیه‌سازی زنان به مردان منجر شده است. این در حالی است که قرآن



ضمن تأکید بر برابری ارزشی زن و مرد، تفاوت‌های طبیعی را به رسمیت می‌شناسد. اسناد سازمان ملل جهت تأمین امنیت و استیفای حقوق زنان از تبعیض شروع کرده و اصل را بر تبعیض و هدف را بر برابری و رفع تبعیض گذاشته است. در این رفع تبعیض هم راهکار و راهبرد اصلی بر رسیدن زن به جایگاه مرد و برابری حقوق او با مرد است. در پس تلاش‌ها برای برطرف نمودن تبعیض، در عالم واقع مرد یک نوع اصالتی دارد که زن باید به آن جایگاه و حقوق برسد تا از تبعیض درآید. در حالی که قرآن هیچ تفاوتی بین زن و مرد در ملاک‌های ارزشی نگذاشته و هر دو را از این حیث مساوی می‌داند.

۴) انحراف در مفاهیم حق سلامت و عدم تبعیض: این مفاهیم در اسناد بین‌المللی به سمت مشروعیت بخشیدن به رفتارهای جنسی غیرمتعارف مانند روسپی‌گری سوق داده شده‌اند. قرآن در مقابل، امنیت جنسی را در چارچوب خانواده و با سازوکارهای حقوقی مشخص تضمین می‌کند.

۵) تفاوت در نقش‌های جنسیتی: اسناد بین‌المللی با تفکیک جنس و جنسیت، به حذف مرزهای نقش‌های زنانه و مردانه گرایش دارند. اما قرآن با پذیرش نقش‌های مکمل، بر حفظ حریم و شؤون زنانه در جامعه تأکید می‌ورزد. اسناد بین‌المللی با ترویج برابری مطلق و اباحه‌گری جنسی، به ناامنی جنسیتی زنان دامن زده‌اند، در حالی که قرآن با ارائه نظام جامع مبتنی بر خانواده و تفاوت‌های طبیعی، امنیت پایدارتری را برای زنان فراهم می‌کند. به هم‌ریختگی در نقش‌های اجتماعی که در نتیجه اصل برابری جنسیتی و عدم تبعیض بدست آمده است، منجر به ناامنی جنسیتی برای زنان شده است؛ زیرا زنان مجبورند با وجود عدم آمادگی بیولوژیکی و روحی و روانی برای این نقش‌ها، آنها را به اجبار و به تبعیت از هنجارسازی‌های غیرفطری بپذیرند.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آخوندیان، الهام (۱۳۹۵). حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات عام بین‌الملل. *صیانت از حقوق زنان*، ۱(۳)، ص ۳۱-۱۴.

ابن منظور (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر (المعروف بتفسیر ابن عاشور)*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ج ۳۰.

اعلامیه حقوق جهانی بشر. تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۷.

بستان نجفی، حسین (۱۳۹۰). *خانواده در اسلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بلوردی، طیه (۱۳۹۹). بررسی فقهی و حقوقی تبعیض شغلی زنان با تأکید بر امنیت شغلی. *زن و جامعه*، ۱۱(۳)، ص ۴۶-۲۵.

حسینی اکبرنژاد، هاله؛ حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۳۹۶). نگاهی بر رویه نهادهای بین‌المللی در هنجارسازی و توسیع مفاهیم حوزه زنان. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹(۷)، ص ۱۳۷-۱۵۸.

حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۳). *جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۵). *خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ یازدهم.

سوزنچی، حسین (۱۳۹۹). جنسیت و فطرت؛ گامی به سوی یک نظریه جنسی اسلامی. *مطالعات جنسیت و خانواده*، ۱۸(۱)، ص ۱۵۳-۱۳۱.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). *الدر المشرور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۶.

شادمانی، مهدیه (۱۳۹۷). عملکرد سازمان ملل متحد در دفاع از حقوق زنان. *صیانت از حقوق زنان*، ۳(۱۱)، ص ۹۹-۷۸.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*. اردن: دار الكتاب الثقافی، ج ۶.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۱۰.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*. بیروت: دار المعرفة، ج ۳۰.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳۲.

فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). *معانی القرآن*. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ج ۳.

قرانتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۶.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. محقق موسوی جزایری. قم: دارالکتب، ج ۲.



- کاویانی، محمد (۱۳۹۵). *روانشناسی در قرآن: مفاهیم و آموزه‌ها*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هشتم.
- کدخدایی، محمدرضا؛ زارعی، معصومه؛ برزگر، خدیجه (۱۳۹۷). مسأله‌گی جنسیت در اندیشه علامه طباطبائی. *پژوهش‌نامه زنان*، ۹ (۲۶)، ص ۵۳-۷۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا، ج ۱۹، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۳.
- مکنون، ثریا؛ عطایی آشتیانی، زهره (۱۳۸۴). *فمینیسم و روسپی‌گری*. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۸، ص ۲۱۲-۲۵۳.
- منشور سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی دادگستری. تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۴، چاپ هفتم.
- موسوی، محمد (۱۳۹۵). *سازمان ملل و اسناد بین‌المللی حقوق زنان*. *صیانت از حقوق زنان*، ۱ (۳)، ص ۱۳-۳.
- نجان‌نهادی، مریم؛ آهنگر سلابتی، اعظم (۱۳۸۹). *بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان*. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۳)، ص ۱۶۷-۱۶۷.